

بررسی وجوه ارتباطی مطالعات قرآنی با علم زبان‌شناسی

ابراهیم فتح‌اللهی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۷

تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

چکیده:

شناسایی وجوه ارتباطی «مطالعات قرآنی» با مباحث «علم زبان‌شناسی» از چند نظر حائز اهمیت است. اولاً، به دلیل اینکه مطالعات قرآنی، از تنوع روشی برخوردار است لذا روش‌های مختلف تحقیق از جمله روش‌های علم زبان‌شناسی و روش تحلیل زبانی در مطالعات قرآنی کارآیی دارد. ثانیاً، قرآن متنی زبانی است و در قالب لفظ نازل شده است لذا مثل هر متن دیگری می‌تواند موضوع مطالعه علم زبان‌شناسی قرار گیرد. بنابراین، عالم قرآنی باید نسبت خود را با علم زبان‌شناسی تعیین کرده و بر اساس کارآیی روش‌های علم زبان‌شناسی آن‌ها را در مطالعات قرآنی به کار ببندد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر که به روش تحلیل مفهومی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است می‌توان گفت: بخش عمده‌ای از مطالعات مربوط به قرآن در مطالعات زبان‌شناسی قابل دسته‌بندی است. زیرا قرآن غیر از جنبه‌های وحیانی آن، متنی زبانی و از مقوله خطاب‌های لفظی است. همچنین یک تعامل دوسویه بین مطالعات قرآنی و حوزه دانش زبان‌شناسی وجود دارد. یعنی هم مطالعات قرآنی می‌تواند موضوع پژوهش‌های زبان‌شناسانه قرار گیرد و هم می‌توان در فهم و تفسیر قرآن از نظریات، تئوری‌ها و دستاوردهای دانش زبان‌شناسی بهره برد.

کلیدواژه‌ها: مطالعات قرآنی، زبان‌شناسی، تحلیل زبانی، زبان‌شناسی قرآن، مباحث زبان‌شناختی قرآن.

۱- مقدمه

از آنجا که علم زبان شناسی، «زبان» را از رهگذر قوانین کلی حاکم بر همه زبان ها مورد مطالعه قرار می دهد، لذا ارتباط تنگاتنگی با موضوع «زبان قرآن» پیدا می کند. علاوه بر آن رویکردهای مختلف مکاتب زبانشناسی، پیوسته مسائل جدیدی را برای مطالعات قرآنی پیش می آورد. لذا شایسته است وجوه ارتباطی مطالعات قرآنی با علم زبانشناسی را تبیین کرده و تأثیرات رویکردهای مختلف را در مطالعات قرآنی و شیوه کار مفسران قرآن، مورد بررسی قرار دهیم. به کارگیری دانش زبانشناسی در مطالعات قرآنی نیازمند آشنایی با حوزه های مختلف زبانشناسی و کاربردهای هر یک از آنها است. علاوه بر آن، تمایز روشهای هر کدام از آنها نیز باید به خوبی روشن شود، یعنی باید بدانیم تعریف زبانشناسی شناختی، تاریخی، قومی- فرهنگی، و ساختاری چیست، و تمایز آنها در چیست؟ به عنوان مثال اگر محققى بخواهد از روش «معنى شناسی» در مطالعات قرآنی استفاده کند، باید به درستی مشخص کند که مراد او از معنی شناسی در تحقیق خود چیست؟ آیا معنای تحت اللفظی آن مد نظر است و می خواهد به شکل سنتی (کلاسیک) به کشف معنای لغوی و اصطلاحی واژگان پردازد؟ و یا می خواهد از معنی شناسی نوین برای بررسی واژگان استفاده کند. علاوه بر آن اگر مراد پژوهشگر از معنی شناسی، (Semantics) باشد، در اینصورت باید به طور دقیق مشخص کند که کدامیک از مکاتب معنی شناسی مورد نظر اوست. آیا بر اساس روش «معنی شناسی هم زمانی و در زمانی» فردینان دو سوسور، می خواهد به پژوهش پردازد و یا اینکه از «معنی شناسی

تاریخی» و مباحث مطرح در آن بهره می برد. «معنی شناسی قومی- فرهنگی» را به کار می بندد و یا از الگوهای مطرح در «معنی شناسی شناختی» استفاده می کند. (درزی، ۱۳۹۵: ۴۴)

یعنی، صرف اینکه برخی مباحث مربوط به «واژه شناسی و ادبیات قرآن» یا مباحث مربوط به «دلالتهای الفاظ» و یا مباحث مربوط به «حجیت ظواهر قرآن» و امثال آنها، مشابهت هایی با مباحث زبانشناسی جدید دارند، کافی نیست و مشکلی را حل نخواهد کرد. آشنایی دقیق با مبانی و حوزه های گوناگون علم زبانشناسی، خاستگاه و شکل گیری اولیه آن، سیر رشد و تحول، مکاتب به وجود آمده در آن و روش شناسی هر یک از آنها برای به کارگیری آنها در مطالعات قرآنی ضروری است.

۱-۱- پیشینه تحقیق:

گونه شناسی مطالعات قرآنی در بین دانشمندان اسلامی و نگاهی به آثار گزارش شده و بر جای مانده نشان می دهد که عناوین نوظهوری همانند فلسفه زبان، زبان شناسی و نشانه شناسی و... در گذشته در مطالعات قرآنی جایی نداشته و عالمان اسلامی به طور رسمی و تحت این عنوان ها، بحثی ارائه نکرده اند. در عین حال مصادیق رویکرد سنتی و کلاسیک در باره زبان قرآن را می توان در رویکردهای زبانشناسانه افرادی چون ابن فارس در «مقایسه اللغه» و زمخشری در «اساس اللغه»، و رویکرد علمای اصول در مباحثی چون دلالتهای الفاظ، مفهوم و منطوق، مطلق و مقید، و مباحثی بلاغی چون حقیقت و مجاز، خبر و انشاء، دید. (بستانی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) با دقت نظر در تاریخ علوم اسلامی می توان فهمید که از همان قرن اول ظهور

۱-۲- پرسش‌های تحقیق :

نگارنده در این پژوهش در پی یافتن پاسجهایی برای سه پرسش زیر است: ۱- وجوه ارتباطی مطالعات قرآنی با علم زبانشناسی چیست؟ ۲- دستاوردهای زبانشناسی جدید به چه میزان برای مطالعات قرآنی مفید و ضروری است؟ ۳- رویکرد زبانشناسی قرآن پژوهان غربی و مسلمان چه دستاوردی داشته و چه مسائل جدیدی را در حوزه مطالعات قرآنی پیش آورده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند شناخت و تبیین وجوه ارتباطی مطالعات قرآنی با علم زبانشناسی و تحلیل و مقایسه رویکرد زبانشناسی متفکران اسلامی با قرآن پژوهان غربی است

۲- وجوه ارتباطی مطالعات قرآنی با علم زبانشناسی بررسی وجوه ارتباطی مطالعات قرآنی با مباحث علم زبانشناسی از دو نظر حائز اهمیت است: اولاً معلوم می‌شود کدام بخش از مطالعات قرآنی در حوزه زبانشناسی قابل بحث است؟ ثانیاً کارایی علم زبانشناسی و شاخه‌های

مختلف آن در مطالعات قرآنی را می‌توان تعیین کرد. ذیلاً اهم وجوه ارتباطی علم زبانشناسی با مطالعات قرآنی و کارایی شاخه‌های مختلف آن در مطالعات قرآنی را بررسی می‌کنیم:

۲-۱- رابطه علم زبانشناسی با تفسیر قرآن

متون تفسیری تألیف شده توسط دانشمندان اسلامی زمینه‌ای برای طرح مسائل زبان‌شناختی و پیوند آن با قرآن بوده است. دانش‌هایی مثل «فلسفه زبان»، «زبانشناسی عام» و «زبانشناسی دینی» ارتباط وثیقی با مطالعات مربوط به قرآن به ویژه علم تفسیر دارند و می‌توان آنها را پیش‌نیازهای نظری در مطالعات قرآنی

اسلام حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی از قرائت و تفسیر و علوم قرآن و علوم ادبی تا کلام و فلسفه و منطق، عرفان و تصوف و اصول فقه، آکنده از نکته‌سنجی‌های زبان‌شناختی در حوزه دین بوده است. چنانچه، ادیبان و قرآن‌شناسان مسلمان در شناخت ریشه‌های واژگان قرآن، معانی حقیقی و مجازی الفاظ قرآن و شناساندن نهادهای بلاغی ویژه کلام خدا، وجوه و نظائر، اعجاز و اطناب، امثال قرآن، آغاز و پایان سوره‌ها و آیات، اعجاز قرآن و جز این‌ها صدها اثر گرانقدر به یادگار نهاده‌اند که جنبه‌های زبان‌شناسی قرآن کریم را مورد اهتمام و التفات قرار داده و جنبه‌های گوناگون صرف، نحو، معانی، بیان و علم نقد و بلاغت و... را پی‌ریزی کرده‌اند. و آثار عظیمی را پدید آورده‌اند که از جمله آنها می‌توان به کتاب «معانی القرآن» فرآء، «مجاز القرآن» ابوعبیده، «فهم القرآن و معانی» حارث محاسبی، «نظم القرآن» جاحظ، «تأویل مشکل القرآن» ابن قتیبه، «اعراب القرآن» مبرد، «اعجاز القرآن» باقلانی، «دلایل الاعجاز و اسرارالبلاغه» جرجانی و ... اشاره کرد. (حکیمی، ۱۳۷۷: ۷۷) اما امروزه به دلیل رشد دامنه علوم و تخصصی شدن دانش‌ها، مسائل جدیدی از حوزه‌های گوناگون دانش برای مطالعات قرآنی پیش آمده است. چنانچه، دانش‌هایی مثل زبانشناسی (بخصوص مباحث جدید آن که به پیوند زبان و فرهنگ اشاره دارد)، نشانه‌شناسی (بخصوص دیدگاه‌های فردینان دو سوسور)، و هرمنوتیک، بیشترین ارتباط را با روش تفسیری مورد نیاز در فهم قرآن دارند و روش تفسیری بدون اطلاع جامع و کافی از این دانش‌های زبانی، ناقص و ناکافی می‌باشد. (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۹)

یافت، گرچه نتایج حاصل از طریق علم « معنی شناسی» تفاوت های زیادی با مباحث الفاظ دارد. بخشی از مطالعات قرآنی مثل بحث اصالت ظهور، حجیت ظواهر قرآن، و نیز تمام مسائل ناظر به ادبیات قرآن نظیر واژه‌شناسی، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع را می‌توان تابع روش تحلیل زبانی ارزیابی کرد. برای مثال، وقتی قرار باشد در علوم قرآن در باره معنی و ریشه واژه «قرآن» گفت‌وگو شود، باید با مراجعه به آرای واژه‌شناسان و کارکرد این واژه در لغت عرب، قرآن و روایات، به پاسخ آن دست یافت. یا اگر صاحب نظری در علوم قرآن درصدد اثبات حجیت ظواهر قرآن باشد، باز با استناد به روش تحلیل زبانی باید از این مقدمات کمک بگیرد که قرآن در تفهیم و تفاهم همسو و همصدا با قواعد تخاطب و محاوره، که از جمله این قواعد تکیه بر ظواهر است، با مردم به گفت‌وگو پرداخته است. (نصیری، ۱۳۸۵: ۲۴۲) زیرا، زبان قرآن همان زبان تفاهم و تخاطب عرف عقلاست و خداوند برای القاء و ابلاغ پیام خود به مردم، طریقه و زبان دیگری جز آن را گزینش نکرده است. (خوبی، ۱۳۶۰)

دانست. چنانچه تفاسیر کلامی مشحون از تأثیرات مباحث زبان شناسی در نوع دیدگاه مفسران است. مثلاً در روش کلامی معتزله برای تفسیر آیات به وجوه مختلف قائل شده و قوانین زبانی مجاز و استعاره و کنایه، ابزار کار آنان در تأویل آیات قرآن بوده است. از این رو تأویل، از مهم ترین ویژگی های زبان شناختی و روش تفسیری و هرمنوتیکی متکلمان معتزلی در برابر سلفی‌گری به شمار می‌آید. (امین، ۱۳۵۵: ۱۵) یا مثلاً در تفاسیر عرفانی، فرض بر این است که وحی قرآنی، زبانی چند بُعدی و سطوحی متصاعد دارد و دارای یک سطح و یک لایه بسته نیست و نمی‌توان آن را یک بُعدی نامید. به مقتضای این سخن، کلام و حیانی قرآن دارای لایه‌ها و سطوح گوناگون معنایی است که فهم متناسب با شرائط روحی و درجات وجودی انسان، برای هر کس تحقق می‌یابد. براین اساس برخی بر این باورند که: « زبان قرآن، دارای مراتب مختلف است، چرا که ظاهری سطحی و باطنی عمیق دارد. و برای هر دسته از مخاطبان، مطلب ارائه می‌کند و حتی برای مخاطبان آینده در طول زمان بهره‌ای خواهد داشت. » (معرفت، ۱۳۸۳: ۵۷)

۲-۲- کاربرد علم آواشناسی در علم قرائت
در بین علوم اسلامی، علم قرائت اولین دانش رسمی در فرهنگ اسلامی است که ارتباطی در خور با زبان و زبان شناسی دارد. در حوزه دانشهای سنتی ما دانش مشابه آواشناسی «مخارج الاصوات» است. آواشناسی (Phonetics)، کاربرد فراوانی در علم تجوید دارد و می‌تواند به ساماندهی و بازسازی دانش تجوید یاری رساند. به عبارتی می‌توان گفت: دانش تجوید، همان آواشناسی تولیدی است. دانش تجوید از شاخه های

۲-۲- کارایی قواعد تحلیل زبانی در مطالعات قرآنی
چگونگی دلالت الفاظ بر معانی، یکی از مباحث مهم علم زبان شناسی است و از آنجا که قرآن کریم در قالب لفظ نازل شده است لذا مثل هر متن دیگری می‌تواند موضوع مطالعه علم زبان شناسی قرار گیرد. مباحث الفاظ که هم در علم اصول فقه و هم در مطالعات قرآنی کاربرد دارد به نوعی ناظر به قواعد تحلیل زبانی است. و بسیاری از موضوعاتی را که در علم «معنی شناسی» مجال طرح و بررسی یافته، می‌توان در «مبحث الفاظ»

۱۳۸۴: ۷/۱) «کاربرد شناسی»، با تحلیل بافت درونی و بیرونی متن و جایگاه قرارگیری عبارت مورد نظر در متن، به حل این نوع مشکلات زبانی یاری می‌رساند. ۲-۶- کارآیی زبانشناسی تاریخی در حوزه نقد قرائات و روشهای تفسیری

زبانشناسی تاریخی (Historical Linguistics)، مطالعه در سیر تاریخی پیدایش زبان و گسترش آن را بر عهده دارد، و تأثیر زیادی در مطالعه دانش بلاغت و نقش مهمی در فهم و تفسیر قرآن داشته و در حوزه نقد قرائات و احادیث تفسیری کارآیی دارد. همچنین در زبانشناسی تاریخی، مباحث مربوط به پیوند زبان و فرهنگ، می‌تواند در اتخاذ روش تفسیری مورد توجه مفسران قرآن قرار گیرد. (واعظی، ۱۳۹۰: ۴۱)

۲-۷- کارآیی دانش ریشه‌شناسی در شناخت مفردات و دانش تفسیر

علم ریشه‌شناسی (Etymology)، علمی است که ریشه واژگان را بر مبنای مستندات تاریخی استخراج می‌کند و سیر پیدایش و پیشرفت آنها را تحلیل می‌کند، لذا تأثیر بسیار زیادی در دانش مفردات و در پی آن در دانش تفسیر دارد و ممکن است دانش تفسیر را کاملاً دگرگون سازد. در ریشه‌شناسی، تنها به سیر دگرگونی‌های ریشه در درون یک زبان بسنده نمی‌شود و پیشینه آن در زبان‌های دیگر نیز دنبال می‌شود. معادل آن در علوم قرآنی «معربات» یا «واژگان دخیل» است. (معموری، ۱۳۸۴: ۱۲)

۲-۸- کارآیی دانش معنی‌شناسی در مطالعات قرآنی علم معنی‌شناسی (Semantics)، به پیدایش معنی و سیر پیشرفت و دگرگونی‌های آن می‌پردازد و روابط معنایی بین مفاهیم مختلف را شناسایی کرده و شبکه‌ای

علم زبانشناسی است که در آن از حالات و عوارض و قواعد و قوانین اصوات بحث می‌شود و قرن‌هاست که مورد مطالعه و بررسی دانشمندان اسلامی است. در مقام تعریف این علم گفته‌اند: «اعطاء الحروف حقوقها و ترتیبها و ردّ الحروف الی مخرجها و اصله». (سیوطی، ۱۳۶۰: ۱۰۱)

۲-۴- کارآیی علم نحو شناسی در ترجمه صحیح قرآن

با توجه به اینکه نحو کلاسیک عربی قرن‌هاست که حالتی ثابت به خود گرفته، لذا آشنایی با علم نحو شناسی (Syntax) در زبانشناسی نوین می‌تواند به پیشرفت و گسترش نحو عربی کمک کرده و در ترجمه قرآن نیز نقش مهمی ایفاء کند، زیرا یکی از مشکلات ترجمه، شناسایی و تحلیل درست نقش هر کلمه و یافتن معادل دقیق آن در زبان مقصد است. (معموری، ۱۳۸۶: ۱۶۹)

۲-۵- کارآیی دانش کاربردشناسی در تفسیر متشابهات

کاربردشناسی (Pragmatics)، به کاربرد زبان و ارتباط آن با ابعاد مختلف زندگی بشر می‌پردازد. این دانش می‌تواند در تحلیل آیات متشابه سودمند واقع شود. خیلی از آیاتی که متشابه نامیده شده‌اند، ناشی از وجود پیچیدگی معنایی نیست، بلکه ناشی از وجود یک ساختار مشخص است که امکان فهم بیش از یک معنی در آن وجود دارد. چنانچه علامه طباطبائی در تبیین آیات متشابه می‌گوید: «در بین آیات قرآن کریم حتی یک آیه پیچیده و نامفهوم وجود ندارد... قرآن شیواترین کلام عرب است، تا جایی که حتی آیات متشابه، مفهومی به غایت روشن دارند.» (طباطبائی،

نحوی، عوامل برون متنی و درون متنی، تنوع گفتمان، و بن مایه و الگوهای سبک شناختی قرآن اشاره شده است. همچنین ساختارهایی چون «سجع و توازن عبارت ها» که به منظور زیبایی کلام در آیات الهی تکرار شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. (Abdul-Raof, 2004 / درزی، ۱۳۹۲: ۸۹)

۲-۱۰- کارآیی علم نشانه شناسی در تفسیر نشانه عبارت است از هر چیزی که به چیز دیگری غیر از خودش دلالت کند. برای شناخت نشانه ها، علمی به نام نشانه شناسی (Semiotics) به وجود آمده است که به مطالعه نظام های نشانه ای مثل زبان ها، رمزگان ها و نظام های علامتی و... می پردازد. (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۳) فردینان دو سوسور، نشانه شناسی را نظامی از نشانه ها می داند که بیانگر اندیشه هاست. (بارت، ۱۳۷۰: ۱۵) با توجه به اینکه علم نشانه شناسی از طریق تحلیل ارتباط نشانه ها و ارائه راهکار برای رسیدن به معنی، روشی را برای فهم متن در اختیار می گذارد، لذا می تواند در تفسیر قرآن مورد استفاده قرار گیرد. همچنین نشانه شناسی، نظام معنی را در ارتباط با الفاظ بررسی می کند، بدین ترتیب مفسر می تواند نظام معنایی موجود بین عبارات را کشف کرده و از این طریق به فهم متن پردازد. (رک. قائمی نیا، ۱۳۸۷)

۳- مقایسه رویکرد زبانشناسانه اندیشمندان غربی و اندیشمندان مسلمان در مطالعات قرآنی
تکوّن بحث «زبان قرآن» در دوره معاصر عمدتاً متأثر از عواملی است که یرخاسته از فضای ادبی و فلسفی جهان غرب و میسحیت می باشد. لذا لازم است در پرداختن به آن، به ریشه ها و خاستگاهها توجه شود. با نگاهی اجمالی به نوع مطالعات اسلامی که در دو قرن

از معانی مرتبط به هم را استخراج می کند. (صفوی، ۱۳۸۳: ۵) با توجه به اینکه دغدغه اصلی علم معنی شناسی، شیوه های بایسته فهم صحیح متن است، قرآن به عنوان یک متن می تواند موضوع مطالعه آن باشد. همچنین، معنی شناسی، در علم تفسیر قرآن کاربرد تام دارد، زیرا کلمات از آن نظر که دارای چه معنایی هستند، موضوع علم تفسیر هستند. در حقیقت «معنی شناسی»، پایه تفسیر است و تنها با اصول علم «معنی شناسی» است که «علم تفسیر» می تواند به وظیفه خود عمل کند. همچنین دانش معنی شناسی، در تفسیر موضوعی قرآن نقش مؤثر و کلیدی می تواند ایفاء کند، زیرا این امکان را فراهم می کند که روابط معنایی مفاهیم مختلف قرآنی را به شیوه ای روشمند استخراج کنیم و از این روابط به نظریه ای در موضوع مورد بحث دست یابیم. (معموری، ۱۳۸۶: ۱۷۲) علاوه برآن برخی از روش ها و مکاتب معنی شناسی مثل «معنی شناسی قومی- زبانی، معنی شناسی فلسفی، معنی شناسی لایه ای و معنی شناسی شناختی می توانند راهکارهایی برای بررسی معنی شناسی واژه های قرآنی باشند. (مطبع، ۱۳۸۷: ۲)

۲-۹- کاربرد علم سبک شناسی در مطالعات قرآنی
سبک شناسی (Stylistics)، علمی است که توصیف و تحلیل تغییر پذیری شکل های زبانی را در کاربرد زبان بر عهده دارد. تمرکز اصلی سبک شناسان به کاربرد های زیبا شناختی متن است. رویکردهای سبک شناسانه به قرآن کریم، مدتی است که مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است. و آثاری نیز تحت عنوان «سبک شناسی قرآنی» نوشته شده است که در آنها به ویژگی های زبانی و متنی گفتمان قرآنی، تغییرات

انجام داده اند. ذیلاً دو نمونه از نظریات ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی در باره قرآن و همچنین دیدگاه اندیشمندان مسلمان را در این مورد مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

الف- نظریه تاریخی بودن متن قرآن و نیازمندی آن به روش نقد ادبی

ب- نظریه نمادین و رمز گونه بودن زبان قرآن
 ۳-۱- نظریه تاریخی بودن متن قرآن و نیازمندی آن به روش نقد ادبی

۳-۱-۱- رویکرد تاریخی و ادبی به قرآن در بین اندیشمندان غربی

مطالعات قرآنی توسط دانشمندان غیرمسلمان یا غربی بر مبنای مطالعات انتقادی آنها در باره دیگر متون مقدس مانند انجیل شکل گرفته است. همانگونه که متون مقدس قدیمی مانند انجیل مورد نقد ادبی و تاریخی قرار می‌گرفتند، قرآن نیز وارد این حوزه شد. «جان ونز برو» (استاد مطالعات سامی در مدرسه مطالعات شرقی افریقایی و دانشگاه لندن) که در سال ۱۹۹۷ کتابی را به عنوان «مطالعات قرآنی» انتشار داد، سعی کرده است در این کتاب، با به کارگیری روشهای نقد ادبی و تحلیل ادبی رایج در مطالعات توراتی و انجیلی، و تطبیق آنها بر قرآن، نشان دهد که تمامی این متون قدیمی صرفاً تاریخ نجات (Salvation History) به معنی مسیحی آنند. تاریخ نجات اصطلاحی متداول در پژوهشهای مربوط تورات و انجیل است. امروزه از نظر محققان یهودیت و مسیحیت، تاریخ این ادیان و به ویژه کتاب آسمانی آنها، بیان کننده حوادث تاریخی صرف نیست، بلکه این متون بیشتر در صدد بیان نقش نجات بخش خداوند در حوادث تاریخ

اخیر در اروپا شکل گرفته است می‌توان دریافت که روش علم زبان شناسی به عنوان روش اصلی این نوع مطالعات مد نظر بوده است. دانشمندان متخصص زبان شناسی سامی، قرآن را مورد تجزیه و تحلیل «متنی» و «زبان شناختی» قرار داده و در نیمه دوم قرن نوزدهم برخی از تألیفات که تا کنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، نوشته شد. اشخاصی مثل ویل، نولدکه، ژایگر و هرشفلد، گلدزیهر، برگستراسر، اتو پرتزل، و آرتور جفری از مستشرقانی هستند که در باب مطالعات قرآنی آثاری منتشر کرده اند. اکثر این دانشمندان از قرآن به عنوان منبعی قابل اعتماد در باز سازی زندگی حضرت محمد (ص) و تاریخ جامعه اسلامی نیز یاد کرده‌اند. (McAulife, J. 2001) رویکرد مستشرقان و اندیشمندان غربی به متون مقدس از جمله به قرآن، معمولاً در یکی از روش های زیر انجام می‌شود:

برخی با «رویکرد تاریخی»، به قرآن یا متن مورد نظر، به عنوان یک سند تاریخی می‌نگرند، مانند کاری که «نولدکه»، «فردریک شوالی»، «برگستراسر» و «آلوپس اشپرنگر» درباره قرآن انجام داده اند. برخی نیز مانند «آرتور جفری» با «رویکرد زبان شناسانه» به قرآن می‌نگرند چنانچه وی در کتاب «واژگان بیگانه در قرآن» با این رویکرد قرآن را مورد مطالعه قرار داده است. (Jeffery, 1938) «برخورد متنی»، یکی دیگر از رویکردهای اندیشمندان غربی بوده است، مانند تحقیقاتی که «گلدزیهر» درباره قرآن انجام داده است. برخی دیگر با «نگاه اسطوره ای»، متون مقدس را مورد مطالعه قرار داده اند مانند کاری که «رودلف بولتمان» در الهیات مسیحی انجام داده است. و گروهی دیگر بر اساس علم «معنی شناسی» مطالعات خود را

«تحلیل قالب شفاهی» را به کار می‌گیرد. (Rippin, 1985:163)

در خصوص روش ونز برو، دیدگاههای متفاوتی مطرح شده است از جمله فضل الرحمن در کتاب خویش «مضامین اساسی قرآن» می‌گوید: «مخالفت‌های من با ونز برو آن اندازه زیاد است که شمار آنها را تنها با خواندن کتاب من و او شاید بتوان دریافت. اما من دست کم با یکی از نقطه نظرات وی هم عقیده هستم: «روشی که در تحلیل مورد قبول قرار می‌گیرد، تا حد زیادی تعیین کننده نتایج خواهد بود. من به جَد معتقدم که این نوع پژوهش قرآنی (یعنی تطبیق و مقایسه با یهودیت و مسیحیت) می‌تواند بی اندازه سودمند باشد» (Fazlur rahman, 1980: xiv)

بطور خلاصه می‌توان گفت: مطالعات اخیر غربی‌ها در باره قرآن اولاً به روش علم زبان‌شناسی انجام می‌گیرد، ثانیاً بعنوان یک متن تاریخی به قرآن نگریسته می‌شود. بنابراین آشنایی با روش‌های نقد ادبی و همچنین شیوه‌های نقد تاریخی بعنوان مقدمه مطالعه و فهم متن قرآن از سوی طرفداران این نظریات توصیه می‌شود.

۱-۲-۳- رویکرد تاریخی و ادبی به قرآن در بین متفکران مسلمان

این دیدگاه زبانشناسانه اندیشمندان غربی که معتقدند: قرآن باید به عنوان یک متن ادبی و با شیوه‌های پژوهشی زبان‌شناسی نگریسته شود و مقاصد و مفاهیم قرآن تنها در حوزه تحقیقات ادبی و متن‌زبانی قابل استخراج است، در فضای فکری پژوهشگران مسلمان نیز راه یافته است. از جمله «نصر حامد ابوزید» بر اساس این دیدگاهها معتقد است که: هیچ اثر زبانی حتی قرآن در خلاء و فارغ از زمینه‌های سیاسی،

است. از نظر «جان ونز برو» مجموعه تمام مستندات اسلامی در دوره‌های نخست را باید «تاریخ نجات» به شمار آورد. آنچه قرآن بر آن گواهی می‌دهد، و آنچه تفسیر، سیره نبوی و مکتوبات کلامی درصدد بیان آن هستند، این است که خداوند چگونه سلسله حوادثی این جهانی را حول محور زمان و مکان محمد (ص) هدایت کرده است. (Rippin, 1985:151)

«توماس تامپسون» نیز، مساله «تاریخ نجات» را از منظری توراتی - انجیلی تحلیل کرده و در باره آن می‌گوید: باید بگوییم که «تاریخ نجات»، روایتی تاریخی از حوادث ثبت شده برای بررسی مورخان نیست. تاریخ نجات اتفاق نیافتاده است، تاریخ نجات شکلی ادبی با بافت تاریخی خاص خود است. تاریخ نجات با شکل و صورتی ادبی به دست ما می‌رسد و باید با ابزاری مناسب خودش، آن را رهیابی و پژوهش کرد. و آن ابزار، تحلیل ادبی است. (Thompson, 1974: 328)

جان ونز برو، در دو کتاب خود بنام‌های «مطالعات قرآنی» و «محیط فرقه‌ای» بر ارزیابی انتقادی منابع از نقطه نظری ادبی (Literary point) استدلال می‌آورد. ونز برو، معتقد بود که قرآن به مثابه منبعی که قابلیت تحلیل با ابزارها و فنون نقد توراتی و انجیلی را دارد باید مورد پژوهش قرار گیرد. به نظر ونز برو، قرآن سندی تشکیل یافته از فقراتی رجوعی به شمار می‌آید که در چارچوب مجادلات فرقه‌ای یهودی - مسیحی شکل گرفته‌اند و با کمک قواعدی ادبی در کنار هم گرد آمده‌اند. بر این اساس می‌توان چنین اظهار نظر کرد که ونز برو، در تجزیه و تحلیل خود راجع به قرآن روشهای خاص متعددی مانند «تحلیل صورت» و

گرفته است. بنابراین با توجه به تأثیرات روحی و با توجه به آیات تحدی و همچنین با توجه به اینکه قرآن از سبک ادبی استفاده کرده است می‌توان نتیجه گرفت که این متن یک متن ادبی است. لذا باید سراغ نقد ادبی قرآن برویم.

همچنین می‌توان از «امین الخولی» استاد علوم قرآن در دانشگاه الازهر مصر نام برد که در بین نویسندگان مسلمان از اولین کسانی است که از قرآن به عنوان بزرگترین کتاب عربی و برترین اثر ادب عرب یاد نمود و قرآن را به عنوان عامل جاودانگی زبان و ادبیات عرب مطرح کرد. وی در مقاله‌ای که برای بخش تفسیر در «دائرة المعارف الاسلامیه» نوشت و بعدها در کتابی به نام «مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر» گردآوری شد تأکید می‌کند که قرآن مقدس‌ترین کتاب هنری عرب است. خواه بدان از منظر دینی بنگریم و یا صرفاً آن را یک اثر ادبی به شمار آوریم. در هر حال پژوهش ادبی قرآن باید هدف اصلی و نهایی برای ما و همه ملت‌های عرب به حساب آید. هر کس می‌تواند با هر مقصد و نیتی به سراغ این کتاب برود و آنچه می‌طلبد از آن برگیرد، مسأله مورد علاقه او خواهد فقه و خواه قانون باشد جز از طریق یک پژوهش کامل و رسای ادبی در این یگانه کتاب عربی امکان‌پذیر نیست. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۷۰)

امین الخولی در این نگاه ناسیونالیستی به قرآن در صدد ردّ نظریه شیخ محمد عبده بود که وی در کتاب «تفسیر سوره فاتحه» هر گونه نگرش تک‌بعدی در قرآن را محکوم می‌نمود و مباحث ادبی و اعجاز لفظی قرآن را یک هدف ثانوی می‌دانست و زیاده روی در تک‌بعدی نگری را موجب فراموش شدن مقاصد نهایی

فرهنگی و اجتماعی عصر خود شکل نمی‌گیرد و نصّ قرآنی که متنی زبانی است در حقیقت یک محصول فرهنگی است. (ابو زید، ۱۹۹۶: ۱۹) وی در تبیین این دیدگاه خود می‌گوید: «قرآن، خود را رسالت و پیام می‌داند و رسالت نمایانگر رابطه میان یک فرستنده (خدا) و گیرنده (پیامبر) به شیوه رمزی یا نظام زبانی است. حال که در مورد قرآن نمی‌توان فرستنده پیام را مورد پژوهش علمی قرار داد ناگزیر راه ورود علمی در این مدخل، بررسی واقعیت‌ها و فرهنگ زبان گیرنده (پیامبر) است. واقعیت‌ها و فرهنگی که زندگی نخستین مخاطبان قرآن در آن شکل می‌گرفته است. با تحلیل این حقایق می‌توان به فهم علمی از پدیده نص و قرآن یا سنت دست یافت.» (همان: ۲۴) همچنین وی در مقایسه تمدنها می‌گوید: «تمدن مصر باستان، تمدن دنیای پس از مرگ است، تمدن یونان تمدن عقل است و تمدن عربی - اسلامی، تمدن متن.» (ابوزید، همان: ۴۶ و ۳۶۴)

نصر حامد و سایر طرفداران این نظریه، قرآن را یک متن ادبی قلمداد کرده و تنها راه بررسی قرآن را نقد ادبی می‌نامند. آنها معتقدند که کلام نبوی در ارتباط با زبان و فرهنگ در متن منعکس شده است لذا نمی‌توان آنرا بعنوان کلام الهی بررسی کرد و باید بعنوان متن بشری آنرا بررسی کنیم و با معیارهای نقد ادبی آنرا مورد مطالعه قرار دهیم. استدلال آنها بر اینکه متن قرآن یک متن ادبی است چنین است: قرآن از اسلوبهای بلاغی و ادبی استفاده کرده و کتابی است که باید خوانده شود و قرائت آن تأثیرات روحی در مخاطبان داشته است همچنانکه در باره ولیدین مغیره گفته شده است که با قرائت قرآن توسط پیامبر (ص) تحت تأثیر قرار

قرآن که همانا هدایت دینی است می‌دانست و هر نوع نگاه پژوهشی به قرآن را ورای فهم دینی، نگاه فرعی و ابزاری تلقی می‌نمود. (عبد، ۱۹۴۵: ۱۰)

امین الخولی معتقد بود که قرآن به مثابه بزرگترین کتاب عربی و با شکوه‌ترین اثر هنری و جاودانه‌ترین بازمانده دوران تمدن عربی و بالاخره مقدس‌ترین کتاب هنر عربی است و پژوهش اصلی در قرآن تحت این عنوان که یک اثر فرهنگ و تمدن عربی است باید انجام پذیرد و آنگاه دیگران هر چه می‌خواهند از قرآن بگیرند که در اینصورت می‌توانند به خواسته خود نائل آیند. لکن هیچکدام از این تلاشهای علمی و پژوهش‌های ثانوی در زمینه مسائل کلامی، فقهی، علمی، اخلاقی، اجتماعی و غیره در قرآن، جز از طریق پژوهش اصلی که مربوط به زبان و فرهنگ عرب است میسر نمی‌تواند باشد.

(الخولی، بی تا: ۳۴۷)

گرایش تعدادی از متفکران و شاگردان وی از جمله نصر حامد ابوزید در کتاب «نقد الخطاب الدینی» و کتاب «مفهوم النص» به روشنی موجب گردید به نص قرآنی به عنوان یک متن ادبی و با شیوه‌های پژوهشی زبان‌شناسی نگریسته شود و مقاصد و مفاهیم قرآن تنها در حوزه تحقیقات ادبی و متن‌زبانی استخراج گردد.

۳-۱-۳- نقد و بررسی «رویکرد ادبی به متن قرآن» (قرآن، به مثابه متن زبان وحی، یا متنی ادبی به زبان عربی)

منتقدین این نظریه معتقدند که نقش وحی و جایگاه الهی قرآن در فهم محتوا بیش از زبان‌شناسی و خصوصیات ادبی در فهم آن تاثیر دارد. و می‌گویند: قرآن همانطور که متن زبان عربی است، متن زبان وحی نیز هست و اگر زبان‌شناسی در فهم آن موثر

است، بدون زبان‌شناسی وحی نیز نمی‌توان قرآن را درک نمود. به عبارت دیگر اگر چه یکی از ویژگی‌هایی که در قرآن پژوهی مؤثر است زبان ادبی قرآن است، لکن این خصوصیت، همه چیز قرآن نیست. قرآن در کنار این ویژگی، خصوصیات دیگری نیز دارد که هرکدام به نوبه خود در فهم صحیح مقاصد قرآن موثر و مفیدند.

همه قرآن پژوهان در قدیم و امروز به دنبال فهم قرآن به مثابه زبان وحی هستند تا مقاصد وحی را از لابلای آیات قرآن که به زبان عربی است دریابند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۱۳) زبان وحی، یا زبان قرآن بالخصوص، حکایت از آن دارد که قرآن در افاده مقاصد خود روش بخصوصی دارد که متفاوت از روشهای معمولی است و در تعبیرات خود، از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که صرفاً از جانب خود او استفسار و استیضاح گردد. و به همین دلیل نیز علامه طباطبایی برای یافتن آن روش، رجوع به خود قرآن را پیشنهاد می‌کند. (طباطبائی، ۱۴۱۲: ۷۹)

ملاحظه می‌شود این دیدگاهها و امثال آن، که مورد نقد جدی برخی از قرآن پژوهان معاصر نیز گردیده است مسائلی هستند که تحت تاثیر علم زبان‌شناسی وارد حوزه مطالعات قرآنی و تفسیر شده‌اند. از طرفی نیز، هریک از مفسران قرآن نیز که با روش خاص خود به فهم و تفسیر قرآن پرداخته‌اند، همگی در اینکه قرآن غیر از جنبه‌های وحیانی آن، متنی زبانی و از مقوله خطاب‌های لفظی است، اتفاق نظر دارند. (ابوزید، ۱۳۸۰: ۴۶) بنابراین ضرورت سامان بخشیدن به مبانی زبان‌شناختی قرآن بیش از پیش برای اندیشمندان قرآن پژوه آشکار می‌گردد.

۳-۲- نظریه نمادین و رمز گونه بودن زبان دین و زبان قرآن

در این بخش به مبانی آرای و نظران اندیشمندان در این خصوص می پردازیم و سعی می کنیم تا نقاط مثبت و منفی هر یک از این نظرات را مورد بررسی قرار دهیم و مکتوب نماییم.

۳-۲-۱- نمادین بودن زبان دین در دیدگاه اندیشمندان غربی

برخی معتقدند که زبان بیان علوم مقدس، زبان «نماد گرایی» است. نماد گرایانه بودن زبانهای علوم مقدس از آن روست که از حقیقتی و رای قلمرو و واقعیات علم مورد بحث پرده بر می دارد. یکی از دلایلی که برای نماد گرا بودن زبان علم مقدس ذکر می شود، خصلت راز آلودگی و رمز گونگی سنت است. «رنه گنون» در باب راز آلودگی علوم سنتی معتقد است که علوم سنتی هیچگاه به مادیت صرف توجه ندارند و همواره از جوهری متعالی بهره می جویند و از آنجا که هر حقیقت متعالی بالضروره سهمی از بیان ناپذیری در خود دارد، لذا علوم سنتی با رازها عجین اند. زیرا رازهای حقیقی فقط در امور بیان ناپذیر و بالتبع انتقال ناپذیر نهفته است. (رنه گنون، ۱۳۶۵: ۱۰۱) «پل تیلیخ» (۱۸۸۶-۱۹۶۵م) به نظریه نمادین بودن زبان دینی از منظر دیگری می نگرد. او معتقد است که گزاره‌های دینی، به واقع ناظر نیستند و معنای حقیقی و ظاهری آنها مقصود نیست، بلکه اینها، نماد و رمز از حقیقتی هستند که این حقیقت می‌تواند حقیقت اخلاقی باشد. پیش از «پل تیلیخ» می‌توان از «ایمانوئل کانت» (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) نام برد که حوادث تاریخی مسیحیت را بر مبنای اخلاق، تفسیر رمزی کرد. (محمد رضایی،

۱۳۸۱: ۲۹) «ویلیام آلستون» در مقاله خود تحت عنوان «زبان دینی» می‌گوید: «دیر زمانی است که تفسیرهای رمزی و سمبلیک از آموزه‌های دینی، امری مرسوم است. بسیاری از متفکران مسیحی، داستان طوفان نوح را نه یک گزارش از اتفاقات واقعی تاریخی، بلکه طریقه‌ای رمزی و نمادین برای ارائه نکته‌هایی که به لحاظ دینی مهم است، تلقی کرده‌اند.» (Alston, 1964: 971)

۳-۲-۲- نماد اندیشی دینی و رمزی بودن زبان قرآن، نزد متفکران مسلمان

برخی از اندیشمندان اسلامی نیز نظریه نماد اندیشی دینی را پذیرفته و معتقدند که راز آلودگی از خصایص دین است و همواره تجربه دینی، آمیخته به نوعی حیرت در برابر سر وجود و راز آفرینش است. از این روی، مذهب سرشار از رمزها (Symbols)، مدل‌ها (Models)، و تمثیل‌ها (Analogies) است. مفاهیمی چون: خدا، روح الهی که در انسان دمیده شده و در وی گوهری ماورایی به ودیعه نهاده، روز باز پسین، فرشتگان، وحی، بعثت رسولان، معجزات آنان و.. حقایقی پر از رمز و راز هستند. عرش، کرسی، نور، لوح و قلم و غیر آن برای ما به زبان تمثیل و کنایه به گونه‌ای نمادین تعبیر می‌شوند. بر اساس این دیدگاه، شعائر دینی، مملو از کنایات و نمادهاست، پیامها و رازهایی دریافت می‌شود، اما با تمثیلات و کنایاتی که متناسب با درک و زبان بشر در این جهان و در حد و اندازه معقولات و مقولات اوست. و قرآن نیز، به عنوان نقطه اوج و آخرین میراث وحی، حقائق بلند ماورایی را با مثل‌هایی برای ذهن بشر خاکی نازل و تقریب می‌کند. «همانا ما آن را قرآنی عربی گرانیدیم باشد که تعقل

کنید ولی در مرتبه اصلی خویش (ام‌الکتاب) پیش ما بسی بلند و استوار است.» (زخرف، ۳ و ۴) این کتاب آسمانی، از یک سو روشنی و وضوح داشته، مبین و بیان و تبیان نام نهاده شده است و از سوی دیگر، رموز و اسرار دارد. خداوند ظاهر و باطن، پیدا و پنهان است و کلام او نیز، هم آشکار و هم ژرف و نهان و رمز آلود است. حروف مقطعه، نمونه‌ای از رازهای قرآن است و تلقی مسلمانان از آن (از صدر تا کنون) نشان‌دهنده عنصر نماد اندیشی در معرفت دینی است. (فراستخواه، ۱۳۷۳: ۶۶)

سید حسین نصر از اندیشمندان معاصر مسلمان معتقد است: علوم سنتی نه تنها خود رمز گونه اند بلکه به رمزها نیز اهتمام دارند. طبق نگرش سلسله مراتبی، نمودهای طبیعت، رمزهایی هستند که خبر از نظام‌های برتر واقعیت می‌دهند. و هدف نهایی علوم اسلامی شناخت این رموز است. (نصر، ۱۳۵۰: ۵)

توضیح مطلب آنکه نمودهای طبیعت طبق نگرش سنتی، آیات و تجلیات و رموزی هستند که خبر از نظام‌های برتر واقعیت می‌دهند و لذا نیاز به رموز خوانی دارند. در غیر اینصورت به حوادث و واقعیهاتی صرف بدل می‌شوند. لذا سید حسین نصر معتقد است که: همیشه هدف نهایی علوم اسلامی ارتباط دادن جهانی جسمانی با اصل روحانی آن از طریق شناسایی رمزهایی بوده است که مراتب مختلف حقیقت و واقعیت را باهم متحد می‌سازد. (همان) همچنین وی معتقد است زبانی که در سنت برای علوم مقدس به کار گرفته می‌شود، خود نیز باید پلکانی برای تقرب به ذات قدسی باشد. گفتار متعلق به زبان مقدس یا اولیه، انسان را به فراسوی عالم مادی، به سرای الهی می‌برد. (نصر، ۱۳۷۸: ۱۷۶)

همچنین برخی از پژوهشگران مسلمان، رمزی بودن زبان قرآن و متون دینی را چنین تعبیر کرده اند: «در دین شناسی جدید، زبان دین، زبانی رمزی است و شناختن هر دین عبارت است از شناختن مجموعه رمزهای زبانی. و اسلام به عنوان یک قرائت، در درجه اول از مباحث هرمنوتیک سود می‌جوید که مباحث دانش فهم و تفسیر متن است. براساس این دانش، متون دینی به عنوان نمادهای رمزی مانند هر متن دیگر فهم و تفسیر می‌شود، خواه آن متن کتاب باشد یا هنر،... در واقع، اسلام به عنوان یک قرائت، از متون دینی توضیحی رمز گونه و نمادین به دست می‌دهد.» (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۳۶۸) بر این اساس، برخی معتقدند که گزارش‌ها و نقل‌ها و قصه‌های قرآنی سمبلیک است و جنبه‌ی واقعی ندارد و صرفاً برای بهره‌برداری اخلاقی و تربیتی و... پرداخته شده است. (رک. خلف الله، ۱۹۹۹)

۳-۲-۳- نقد و بررسی «نظریه رمزی بودن زبان قرآن»

منتقدان این دیدگاه می‌گویند، اگر گزاره‌های قرآنی را رمزی و غیرواقع نما بدانیم در این صورت حوادث و قصه‌های موجود در قرآن حاکی از واقعیت نخواهد بود. بلکه باید پذیرفت که خداوند، حقیقتی را به زبان قصه بیان کرده است و این حقیقت را هر کسی می‌تواند به نحوی بیان کند و این امر می‌تواند مبنای قرائت‌های مختلف باشد. لذا بهترین روش در کشف زبان قرآن این است که به خود قرآن رجوع کنیم و ببینیم که خودش را چگونه معرفی می‌کند؟ آیا قرآن بیانهای خود را رمزی و غیرواقعی می‌پندارد یا واقعی و غیررمزی؟ مثلاً قرآن در مقام بیان داستانهای مربوط به حضرت عیسی (ع)

نظر دارند. بنابراین ضرورت سامان بخشیدن به مبانی زبان شناختی قرآن بیش از پیش آشکار می‌گردد.

۲- دانش زبانشناسی و شاخه‌های آن کاربردهای متنوع و فراوانی در حوزه مطالعات قرآنی دارد و بر مجموعه گسترده‌ای از دانشهای قرآنی نیز تأثیر گذار بوده‌اند. دیدگاهها و مسائلی وجود دارند که تحت تأثیر علم زبان‌شناسی وارد حوزه مطالعات قرآنی و تفسیر شده‌اند. می‌توان گفت یک تعامل دوسویه بین مطالعات قرآنی و حوزه دانش زبانشناسی وجود دارد. مطالعات قرآنی هم می‌تواند موضوع پژوهشهای زبانشناسانه قرار گیرد و هم می‌توان در فهم و تفسیر قرآن از نظریات، تئوری‌ها و دستاوردهای دانش زبان‌شناسی بهره برد.

۳- امروزه به دلیل رشد دامنه علوم و تخصصی شدن دانش‌ها، مسائل جدیدی از حوزه‌های گوناگون دانش برای مطالعات قرآنی پیش آمده است. و دانش‌هایی مثل فلسفه زبان، زبانشناسی عام و زبانشناسی دینی ارتباط وثیقی با مطالعات مربوط به قرآن به ویژه در علم تفسیر دارند و می‌توان آنها را پیش نیازهای نظری در مطالعات قرآنی دانست.

۴- یکی از رویکردهایی که می‌تواند بسیاری از مشکلات فکری را در فهم و تفسیر قرآن حل کند استفاده از روشهای دانش زبانشناسی در مطالعات قرآنی است. با این وجود، مطالعات قرآنی هنوز توجه کافی به این علم نکرده‌اند. بدین منظور می‌توان مطالعات خاص شناخت زبان دینی و بویژه زبان قرآن را در قالب دو رشته مستقل: ۱- زبانشناسی دینی. ۲- زبان‌شناسی قرآنی، در گرایشهای رشته‌های «زبان

چنین می‌گوید: «ان هذا لهو القصص الحق و ما من اله الا الله و ان الله لهو العزيز الحكيم.» (آل عمران، ۶۲) خداوند در این آیه، بیان خود را از داستان زندگی حضرت عیسی (ع) بیانی واقعی و حقیقی معرفی می‌کند و به روشنی می‌گوید که این قصه‌ها حق است و جنبه رمزی و سمبلیک ندارد. (محمد رضایی، ۱۳۸۲: ۷۴) همچنین در نقد دیدگاه «محمد احمدخلف الله» که گزارش‌ها و نقل‌ها و قصه‌های قرآنی را سمبلیک دانسته و نزول آنها را صرفاً به منظور بهره‌برداری اخلاقی و تربیتی می‌داند، گفته‌اند: «بعضی‌ها راجع به بعضی از قصص قرآن گفته‌اند: که قرآن هدفش مقدس است، قصص را نقل می‌کند برای پند و عبرت گرفتن، قرآن که کتاب تاریخ نیست که بخواهد وقایع نگاری بکند، وقایع را قرآن برای پندها ذکر می‌کند و... ولی این حرف، بسیار حرف مفتی است، محال است که انبیاء در منطق نبوت، برای یک حقیقت (العیاذ بالله)، یک امر واقع نشده و یک دروغ را ولو به صورت تمثیل بیان کنند.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۳۳)

نتیجه‌گیری

۱- با دقت نظر در تاریخ علوم اسلامی می‌توان فهمید که از همان قرن اول ظهور اسلام حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی آکنده از نکته‌سنجی‌های زبان‌شناختی در حوزه دین بوده است. بخش عمده‌ای از مطالعات مربوط به قرآن را می‌توان در مطالعات زبان‌شناسی دسته‌بندی کرد. زیرا هریک از مفسران قرآن که با روش خاص خود به فهم و تفسیر قرآن پرداخته‌اند، همگی در اینکه قرآن غیر از جنبه‌های وحیانی آن، متنی زبانی و از مقوله خطاب‌های لفظی است، اتفاق

- شناسی» و «علوم قرآن و حدیث»، در دانشگاهها طراحی کرد.
- ۵- برای به کار گیری دانش زبانشناسی در مطالعات قرآنی، آشنایی با حوزه های مختلف زبانشناسی و کاربردهای آنها، همچنین آشنایی با روشهای هر یک از آنها ضروری است. یعنی، صرف یافتن مشابهت هایی بین برخی از مباحث زبانشناختی قرآن با مباحث زبانشناسی جدید، کافی نیست و مشکلی را حل نخواهد کرد. آشنایی دقیق با مبانی و حوزه های گوناگون علم زبانشناسی، خاستگاه و شکل گیری اولیه آن، سیر رشد و تحول، مکاتب به وجود آمده در آن و روش شناسی هر یک از آنها برای به کار گیری آنها در مطالعات قرآنی ضروری است.
- منابع
- قرآن کریم
- ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۶ م). *مفهوم النص*. در *اسسه فی علوم القرآن*. بیروت: مرکز الثقافی العربی.
- _____ (۱۳۸۰ ش). *پژوهشی در علوم قرآن*. ترجمه مرتضی کریمی نیا. تهران: طرح نو.
- امین، احمد (۱۳۵۵ ق). *ضحی الاسلام*. ج ۳. قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- بارت، رولان (۱۳۷۰ ش). *عناصر نشانه شناسی*. ترجمه: مجید محمدی. تهران: هدی.
- بستانی، قاسم (۱۳۹۰ ش). «کاربرد روش های معنی شناسی نوین در پژوهش های قرآنی». *مطالعات قرآن و حدیث*. شماره ۹
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۷ ش). *ادبیات و تعهد در اسلام*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلف الله، محمد احمد (۱۹۹۹ م). *الفن القصصی فی القرآن الکریم*. شرح و تعلیق: خلیل عبدالکریم. بیروت: سینا.
- الخولی، امین (بی تا). «مقاله تفسیر». *دائرة المعارف الاسلامیه*. تهران: انتشارات جهان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۰ ش). *البیان فی تفسیر القرآن*. قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی.
- درزی، قاسم (۱۳۹۲). «گونه شناسی مطالعات میان رشته ای در قرآن کریم». *فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی*. شماره ۴.
- _____ (۱۳۹۵ ش). «الزامات روش شناختی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم». *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*. شماره ۱۹.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۰ ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. ج ۱. قاهره: مطبعه حجازی.
- صفوی، کورش (ش ۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی شناسی*. تهران: نشر سوره مهر.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۲ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. قم: اسماعیلیان.
- _____ (۱۳۸۴ ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عبده، محمد (۱۹۴۵ م). *تفسیر سوره فاتحه الکتاب*. قاهره.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹ ش). *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۳ ش). «حروف مقطعه و نماد اندیشی دینی». *بینات*. شماره ۱.

- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۷ ش). «نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن». *مجله قرآن و علم*. شماره ۱.
- رنه‌گونون، رنه (۱۳۶۵ ش). *سیطره کمیت و علائم آخر الزمان*. ترجمه: علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳ ش). *نشانه‌شناسی*. ترجمه: محمد نبوی. تهران: آگاه.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹ ش). *تقدی بر قرائت رسمی از دین*. تهران: انتشارات طرح نو.
- محمد رضایی، محمد (۱۳۸۱ ش). *خاستگاه نواندیشی دینی*. قم: نشر زلال کوثر.
- _____ (۱۳۸۲ ش). «مبانی قرائت‌های گوناگون از قرآن». *قبسات*. شماره ۲۹. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰ ش). *سیره نبوی*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطیع، مهدی (۱۳۸۷ ش). *معنی‌شناسی زیبایی در قرآن کریم*. دانشگاه امام صادق. پایان‌نامه دکتری.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳ ش). *التفسیر الاثری الجامع*. قم: مؤسسه التمهید.
- معموری، علی (۱۳۸۴ ش). *درآمدی بر کاربرد ریشه‌شناسی در مطالعات تاریخی*. نشر کتیبه.
- _____ (۱۳۸۶ ش). *دانشش‌زبانی کاربردهای آن در مطالعات قرآنی*. *مجله قرآن و علم*. شماره ۱.
- نصر، سید حسین (۱۳۵۰ ش). *علم و تمدن در اسلام*. ترجمه احمد آرام. تهران: نشر اندیشه.
- _____ (۱۳۷۸ ش). *نیاز به علم مقدس*. ترجمه: حسن میانداری. قم: موسسه فرهنگی طه.
- نصیری، علی (۱۳۸۵ ش). «فلسفه علوم قرآنی». *قبسات* شماره ۳۹ و ۴۰. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- واعظی، احمد (۱۳۹۰ ش). *نظریه تفسیر متن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Abdul-Raof, Hossein (2004). *Qur'anic Stylistics: A linguistics analysis*, Publications of the Akademy of Finland.
- Alston, P. (1964). **Religious language**, in : *Encyclopedia of philosophy*. Edited: paul Edwards. New York: Macmillan publishing co.
- Fazlur- rahman(1980). **major themes of the Quran**. Chicago: bebliotheca islamica.
- Jeffery, Arthur (1938). *The Forien Vocabulary of The Qur'an*, Oriental Institute Baroda.
- Mc Aulife.J. (2001). *Encyclopedia of Quran*. Leiden: Brill
- Rippin, Andrew (1985). **literary analysis of Quran , tafsir , and sira** : the methodologies of jann wansbrough. tucson : university of arizona press.
- Thompson, thomas (1974). **The Historicityhistory of the patriarchal narrative**. berlin and new york.